



سال اول. شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴/۰۸/۱۳۹۷

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳/۰۴/۱۳۹۸

علیرضا صاحبی^۱

راه‌های احراز وثاقت علی بن محمد بن قتیبه | سید محمد حسن موسوی مهر^۲

چکیده

یکی از راویان قرن سوم که افزون بر نقل روایت از افراد گوناگون، در حفظ و نشر آثار و اخبار فقیه و متکلم بزرگ امامی اثنی عشری، فضل بن شاذان نیشابوری، نقشی مؤثر داشته است، شاگرد وی، علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری است. قبول وثاقت این راوی در پذیرش بسیاری از روایات فقهی، رجالی و اعتقادی مؤثر است. در تحقیق پیش‌رو ضمن معرفی این شخصیت و نگاهی به دیدگاه‌های رجالیان در ارتباط با وی، به بررسی راه‌های اثبات وثاقت یا ممدوح بودن وی پرداخته و دو راه جدید برای اثبات اعتبار ایشان ارائه شده است. راه‌های اثبات وثاقت یا مدح ابن قتیبه در این نوشتار عبارتند از: ۱. توصیف وی به «فاضل» در کلام شیخ طوسی؛ ۲. اعتماد کشی به وی و کثرت روایت ایشان از او؛ ۳. کثرت روایت احمد بن ادريس از وی؛ ۴. توثیق ضمنی کشی؛ ۵. تصحیح خبر وی توسط علامه حلی؛ ۶. شیخ اجازه کشی یا دیگر بزرگان بودن؛ ۷. تصحیح شیخ صدوق؛ ۸. تأیید وثاقت او توسط فاضل جزایری صاحب کتاب «الحوای»؛ ۹. روایت اجلاء از ابن قتیبه، که مهم‌ترین این موارد نه‌گانه عبارت است از: اعتماد کشی و نجاشی به او و روایت بزرگانی همچون ابوعلی اشعری، احمد بن ادريس و ابوعلی محمد بن حمزه از ایشان که این سه، خود، دلیل بر وثاقت این راوی محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: علی بن محمد بن قتیبه، ابن قتیبه، توثیق، مدح، علم رجال، فضل بن شاذان.

۱. طلبه سطح ۳ و پژوهشگر حوزه علمیه خراسان. (نویسنده مسئول)

۲. استاد سطح عالی حوزه علمیه خراسان و دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه فردوسی مشهد.



بدون تردید مهم‌ترین مدرک برای اثبات احکام شرعی، حدیث می‌باشد؛ زیرا از میان ادلة اربعة یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل، قرآن حاوی کلیات بوده و نسبت به تفصیل مطالب، اجمال دارد و لازم است سنت، آن را تفسیر نماید، اجماع نیز با شرایطی از جمله مدرکی نبودن و دیگر خصوصياتی که به ندرت قابل تحصیل است و اعتبار دارد، موارد حکم عقل هم بسیار کم است؛ بنابراین عمده دلیلی که باقی می‌ماند همان سنت است. از سوی دیگر بدون شک در سنت و احادیث نقل شده از معصومین، خبر جعلی و غیر واقعی نیز وجود دارد، بر همین اساس نیازمند علمی هستیم که روایات غیر صحیح را از صحیح جدا کند و آن علم، علم رجال است^۱ در این میان تشخیص برخی راویان مورد اعتماد از غیر آنها با سختی و دشواری مواجه می‌شود چه اینکه در کتب رجال توثیق صریحی نسبت به آنها وجود ندارد و در عین حال این راویان دارای احادیث متعدد و مهم می‌باشند؛ علی بن محمد بن قتیبة نیشابوری، یکی از این راویان است، وی که از محدثان قرن سوم هجری و شاگرد فقیه و متکلم بزرگ امامیه، فضل بن شاذان نیشابوری است یکی از راویان اخبار و آثار وی به شمار می‌رود که نقش مهمی در حفظ و نشر آنها ایفا کرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۹، ش ۶۷۸؛ طوسی، [بی تا]: ۴۲۹، ش ۶۱۵۹)

در این نوشتار به دنبال آن هستیم تا ادله و قرائنی که می‌تواند مَثَب وثاقت و یا ممدوح بودن ابن قتیبة باشد را گردآوری و بررسی نمائیم تا از این رهگذر به جمع‌بندی پیرامون وثاقت یا عدم وثاقت وی دست یابیم.

اهمیت و جایگاه این پژوهش

اهمیت پژوهش درباره این شخصیت زمانی آشکار می‌شود که بدانیم دو نفر در حفظ و نشر آثار فضل بن شاذان نقش مهمی داشته‌اند: ۱. محمد بن اسماعیل (بندقدری یا بندقی) نیشابوری؛ ۲. علی بن محمد بن قتیبة نیشابوری. (میرداماد، ۱۳۱۱: ۷۲) توضیح آنکه طریق مرحوم کلینی به فضل بن شاذان، بر اساس ظاهر عبارت^۲ کافی، منحصر به محمد بن اسماعیل^۳ و طریق ابوعمرو کشی به فضل، منحصر به علی بن محمد بن قتیبة می‌باشد.

روایاتی که شیخ صدوق در کتب مختلف خود از فضل نقل کرده نیز در بسیاری از موارد، با واسطه عبد الواحد ابن محمد بن عبدوس نیشابوری به علی بن محمد بن قتیبه می‌رسد. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۱۸، ح ۹-۲۰۹، ح ۱-۱۷/۲، ح ۲۲-۳۹، ح ۲۳-۵۰، ح ۵۲-۱۲۱، باب ۳۵، ح ۱؛ همو، ۱۳۶۲ش؛ ب: ۵۰)؛ همچنین نام ابن قتیبه در طرق شیخ مفید و شیخ طوسی به فضل بن شاذان دیده می‌شود (طوسی، [بی‌تا]: ۳۶۳؛ همو، ۱۴۰۷: ۱۰/۸۶؛ همو، ۱۳۹۰: الف: ۳۴۱/۴). در طریق نجاشی به فضل نیز حلقه اتصال نهایی ابن قتیبه است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۰۷)

اهمیت مسئله آنجا بیشتر می‌شود که بدانیم غالب روایاتی که از طریق این راوی به دست ما رسیده، مربوط به دو حوزه معارف اعتقادی و مباحث رجال‌شناسی است یعنی دو حوزه بسیار مهم و قابل توجه در معارف شیعی؛ به خصوص در حوزه نخست یعنی معارف اعتقادی، که شیخ طوسی موضوعات گوناگونی را از طریق ابن قتیبه مورد بررسی قرار داده است. از آن جمله می‌توان به مسائل مطرح شده درباره غیبت امام عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف اشاره کرد که همگی از فضل بن شاذان روایت شده است. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۱۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۸۷ و...)

با این همه علی بن محمد بن قتیبه که پیشتر گذشت خود روایات رجالی فراوانی را نقل کرده است، اگر چه در کتبی نظیر رجال شیخ و فهرست نجاشی از او یاد شده است اما هیچ یک از ایشان او را توثیق خاص نکرده است^۴ البته هیچ تضعیف و جرحی نیز برای وی ذکر نشده است. از این رو وثاقت او محل بحث و تردید قرار گرفته و برخی او را مجهول شمرده‌اند. (موسوی عاملی، ۱۴۲۹: ۸۴/۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۹: ۱/۲۲۱ و ۲۲) حتی برخی از محققین معاصر پا را فراتر گذاشته و او را به جعل و تزویر متهم کرده‌اند (بهبودی، ۱۴۲۷: ۲۶۱ و ۲۶۲) ادعایی که به نظر می‌رسد بدون دلیل بوده و بیشتر تهمتی به این راوی است. (ر.ک: بیات مختاری، ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۳۳)

پیشینه تحقیق

اگرچه ابن قتیبه به سبب وقوع در سند برخی از روایات، در کتاب‌های فقهی بسیاری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (سبزواری، [بی‌تا]: ۵۱۰/۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۶/۴۷ و ۱۳/۲۲۱)؛

قمی، ۱۴۱۷: ۱۷۲/۵؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۳۴۵/۸؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵: ۱۸۳ و ۱۸۴ و... ولی به اثری پژوهشی که به صورت خاص به بررسی اعتبار یا عدم اعتبار علی بن محمد بن قتیبة پرداخته باشد، دست نیافتیم.

۱. تبارشناسی علی بن محمد بن قتیبة

در این مجال مناسب است معرفی اجمالی از علی بن محمد بن قتیبة ارائه دهیم تا در قضاوت بعدی پیرامون وثاقت وی ما را یاری نماید:

۱-۱. نام و نسب

درباره پدر، خاندان و تبار این راوی که از وی با نام‌هایی همچون «علی بن محمد القتیبی» (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۲۹؛ همو، ۱۳۹۰؛ ب: ۲۱۰، ۶۷، ۲۸، ۱۶، ۸)، «القتیبی» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۴)، «علی بن قتیبة» (صدوق، ۱۹۹۶: ۳۶۸/۲؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۲۴۹/۶) و «علی بن محمد» (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۶۳، ۱۶۱، ۴۲۵) یاد می‌شود، اطلاعی در دست نیست، هر چند برخی جد او را قتیبة بن محمد اعشی، قتیبة بن زیاد خراسانی و یا قتیبة بن حمید بلخی بغلانی خراسانی احتمال داده‌اند (بیات مختاری، ۱۳۹۱: ۱۱۷)، ولی این ادعا دلیل محکمی ندارد و از حدّ احتمال فراتر نمی‌رود؛ به‌ویژه آنکه نجاشی در بیان نام علی بن محمد بن قتیبة، بر قتیبة توقف کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۹، ش ۶۷۸) و این در حالی است که حداقل نام پدر آن سه نفر معلوم می‌باشد و نجاشی اگر از آنها خبر می‌داشت، باید طبق روال معمول خود، آنها را نقل می‌کرد.

۱-۲. مشایخ روایی

ابن قتیبة علاوه بر نقل آثار و اخبار فضل بن شاذان از افرادی همچون حمدان بن سلیمان نیشابوری (صدوق: ۱۴۱۳: ۳۷۸/۳، ح ۴۳۳۱؛ همو، ۱۳۷۶: ۱۰۱، ح ۱ و ح ۲ و ۱۰۲، ح ۳ و...)، محمد بن حسین بن ابی الخطاب (طوسی، ۱۳۹۰ق؛ ب: ۲۰۱، ش ۳۵۴)، محمد بن احمد بن یحیی اشعری (همان: ۱۵۹، ش ۲۶۶)، جعفر بن احمد (محمد) رازی خواری (همان: ۷، ش ۱۶؛ ۱۲۴، ش ۱۹۶)، احمد بن ابراهیم مراغی (همان: ۵۳۴، ش ۱۰۱۹؛ ۵۳۵، ش ۱۰۲۰)، یحیی بن ابی بکر بن مهرویه (همان: ص ۲۷۴، ش ۴۹۳، طوسی، [بی تا]: ۵۰۲)، ابوطاهر

محمد بن علی بن بلال (طوسی، ۱۳۹۰؛ ب: ۵۶۶، ش ۱۰۷۱)، جعفر بن محمد بن حسن بن محبوب (همان: ۵۸۴، ش ۱۰۹۴) و ابو عبدالله شاذانی (همان: ۵۴۷، ش ۱۰۳۷) نیز نقل روایت دارد. نکته قابل توجه این است که همه این روایات بجز آنچه از حمدان بن سلیمان نقل کرده است، مربوط به احوال رجال می باشد، بنابراین در مجموع می توان او را جزء رجالیه آن دوران خویش به شمار آورد. (مامقانی، ۱۴۲۸: ۳۷۷/۲)

۱-۳. شاگردان

بر اساس آنچه در کتب حدیث و رجال یافت می شود شش نفر از این قتیبه نقل روایت نموده اند که عبارتند از:

۱. محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی.^۵
۲. علی بن حسین بن موسی بن بابویه پدر شیخ صدوق. (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۰۱ و ۱۰۲، ح ۱ و ۲ و ۳؛ همو، ۱۳۹۵: ۲۴۰/۱، ح ۶۲؛ همو، ۱۳۹۸: ۷۶، ح ۳۲)
۳. عبد الواحد بن محمد بن عبدوس نیشابوری. (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۷۸/۳، همو، ۱۳۹۸: ۱۳۷، همو، ۱۳۶۲؛ الف: ۵۸/۱، همو، ۱۳۶۲؛ ب: ۵۰، همو، ۱۳۹۶: ۳۹، همو، ۱۴۰۳: ۱۲۴ و ...)
۴. احمد بن ادريس قمی معروف به ابوعلی اشعری (نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۲، ش ۲۲۸، طوسی، [بی تا]: ۶۴، ش ۸۱)
۵. ابوعلی محمد بن احمد بن محمد بن عبدا... بن حسن بن حسین (حسن) [بن علی] بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علوی زُباری. (صدوق، ۱۳۹۸: ۳۵۶، ح ۳؛ همو، ۱۳۹۵: ۲۳۹/۱، ح ۶۰)
۶. ابو محمد حسن بن حمزه علوی طبری (طوسی، ۱۴۰۷: ۸۶؛ همو، ۱۳۹۰؛ الف: ۳۴۱/۴؛ ابن شاذان، ۱۴۰۷: ۷۶)

ضمن اینکه بر اساس کتاب انساب سمعانی، ابوالحسین محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله بن حسن بن حسین (حسن) [بن علی] بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علوی



زباری^۱، نیز از طریق ابن قتیبه کتب فضل را نقل کرده است (سمعانی، ۱۳۸۲: ۲۴۹/۶) بنابراین می‌توان روایت‌گران از ابن قتیبه را هفت نفر برشمرد.

گفتنی است از این جمع، به جز عبدالواحد بن محمد بن عبدوس، بقیه از معاریف و افراد جلیل‌القدر هستند که این نکته می‌تواند در قضاوت ما درباره ابن قتیبه اثرگذار باشد.

۲. ابن قتیبه در اصول رجالی

علی‌رغم اینکه ابن قتیبه در مجموعه روایی ما جایگاهی بالا دارد ولی در کتب رجالی به توثیق یا تضعیف او پرداخته نشده است:

۲-۱. رجال برقی

در رجال برقی، نام ابن قتیبه دیده نمی‌شود، البته این امر با توجه به آنکه ظاهراً ابن قتیبه روایت مستقیمی از معصومین ندارد، طبیعی است، افزون بر اینکه برقی تقریباً معاصر ابن قتیبه بوده و بعید نیست که او را نمی‌شناخته یا از روایاتش بی‌خبر بوده باشد، چنانکه او از فضل بن شاذان و پدرش نیز روایتی نقل نکرده و نامشان را نیز بیان ننموده است.

۲-۲. رجال کشی

از آنجا که کشی به دنبال ذکر راویانی بوده است که درباره آنها از معصومین خبری در دست داشته است، برای ابن قتیبه مدخلی نگشوده ولی در عین حال ابن قتیبه در کتاب کشی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا کشی حداقل ۴۹ بار^۷ از وی روایت نقل کرده و براین اساس ابن قتیبه از مشایخ مهم روایی و رجالی او محسوب می‌شود.^۸ او در موارد بسیاری با عبارت «حدثنی - حدثنا» از وی روایت نقل می‌کند (طوسی، ۱۳۹۰: ۲۹، ۵۵، ۱۶۵، ۲۰۱، ۲۴۶، ۴۱۲، ۴۱۶ و...) که نشان‌دهنده ملاقات این دو با هم و استماع کشی از اوست. کشی در برخی موارد هم از وی با عبارت «ذکر» (همان: ۳۰۹ و ۵۴۶) روایت نقل کرده که بعید نیست نشانگر وجود کتابی از ابن قتیبه در رجال باشد.

۲-۳. رجال و فهرست شیخ طوسی

شیخ طوسی در رجال خود ابن قتیبه را از شاگردان فضل بن شاذان و به‌عنوان فاضل معرفی نموده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۲۹، ش ۶۱۵۹) اما در فهرست، از او یاد نکرده است.

۲-۴. فهرست نجاشی

نجاشی در کتاب خود که فهرست اسامی مصنفین شیعه است، وی را همراه فضل و راوی کتب او خوانده چنین می‌نویسد: «کشی در کتاب رجال خود به او اعتماد نموده است.» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۹)

۲-۵. رجال ابن داود حلی و علامه حلی

ابن داود، ابن قتیبه را در جزء نخست کتاب خود، یعنی در زمرة ممدوحین آورده و به سخنان نجاشی در وصف وی اکتفا نموده است. (ابن داود، ۱۳۸۳: ۲۵۰، ش ۱۰۶۴) علامه حلی نیز نام او را در بخش اول کتاب خلاصه الاقوال که مختص به معتمدین است آورده و این مطلب را از عبارت شیخ طوسی و برخی عبارات نجاشی در وصف وی استفاده می‌کند. (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۹۴، ش ۱۶) نکته قابل توجه آن است که این عالمان رجالی هر دو به اعتماد کشی به ابن قتیبه که نجاشی به آن اشاره کرده است، تأکید نموده و گویی بر آن تکیه کرده‌اند.

۳. راه‌های اثبات وثاقت یا ممدوحیت علی بن محمد بن قتیبه

به طور کلی درباره ابن قتیبه، سه دیدگاه وجود دارد (مامقانی، ۱۳۵۰: ۳۰۸/۲)؛ بعضی وی را ثقه دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴۸۸/۳، شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۶/۱۰؛ میرداماد، ۱۳۱۱: ۷۲؛ خواجه‌بوی، ۱۴۱۳: ۲۴۲؛ شبیری، ۱۴۱۹: ۵۰۷۵/۱۵)، بعضی ممدوح (مجلسی، ۱۴۲۰: ۱۲۷؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۲۹۳) و بعضی مجهول. (موسوی عاملی، ۱۴۲۹: ۸۴/۶، فیض کاشانی، ۱۴۲۹: ۲۲۱/۱ و ۲۲۲، خوبی، ۱۴۱۰: ۱۶۰/۱۲) در ادامه طرقتی را که برای اثبات وثاقت یا ممدوحیت وی قابل ذکر می‌باشد، بیان کرده و به بررسی و نقد آنها می‌پردازیم:

۳-۱. توصیف شدن به فاضل در کلام شیخ طوسی

عده‌ای از علما به وصف فاضل در کلام شیخ طوسی اعتنا کرده و آن را مفید مدح یا وثاقت دانسته‌اند (سبزواری، [بی تا]: ۵۱۰/۲)؛ سید محمد باقر موسوی شفتی، مجلة فقه اهل البیت: ۲۳۵ و ۲۳۶؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۲۶؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵: ۱۸۳ و ۱۸۴)؛ اما در مقابل عده‌ای مخالفت کرده، توصیف شیخ را حتی دال بر مدح هم نمی‌دانند؛ آیه‌الله خوبی که جزء



دسته دوم است در این باره چنین می‌گوید: «فضل یک راوی، مدح وی در جهت راوی بودن به حساب نمی‌آید، بلکه تنها از باب متصف بودن او به کمالات و علوم، مدح وی به شمار می‌رود». (خویی، ۱۴۱۰: ۱۶۰/۱۲)

روشن است که آیه‌الله خویی مدحی را موجب حُسنِ راوی می‌داند که مبتنی بر حیث روایتگری وی بوده و به عبارت دیگر مدح راوی بماهو راوی باشد. وحید بهبهانی نیز پس از تقسیم مدح به سه قسم دخیل در قوت سند و صدق قول، دخیل در قوت متن و بدون دخالت از هر دو حیث، مدحی را موجب حسنه شدن روایت می‌داند که در قوت سند و صدق قول دخیل باشد و مدحی را که دخیل در قوت متن باشد جزء مرجحات قلمداد کرده است. (استرآبادی، ۱۴۲۲: ۱۰۲/۱-۱۰۱)

مامقانی نیز پس از آنکه در تعریف «حسن» از انواع احادیث، مدح لازم برای حسن را مدح «معتدبه» برمی‌شمارد (مامقانی، ۱۳۵۰: ۱۳۲/۱) در توضیح آن سخن پیشین وحید بهبهانی را نقل و تأیید می‌کند. (همان: ۱۳۴ و ۱۳۵) البته ایشان همچون جماعتی از فقهاء و رجالیان که دلالت وصف فاضل بر مدح را پذیرفته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۳۳: ۲۰۸؛ سبزواری [بی‌تا]: ۵۱۰/۲) وصف فاضل را دال بر مدح می‌داند، ایشان ذیل عنوان علی بن محمد بن قتیبة، در رد سخن صاحب مدارک، که ابن قتیبة را دارای مدح معتد به نمی‌داند (موسوی عاملی، ۱۴۲۹: ۶، ۸۴)، همچنین می‌نویسد: «این کلام صحیح نیست، زیرا چه مدحی بالاتر از این که شیخ طوسی در مورد او به فاضل تعبیر کرده است.» (مامقانی، همان: ۳۰۸/۲، ش ۸۵۰۵) شایان ذکر است برخی نیز وصف فاضل را حاکی از وثاقت راوی به شمار آورده‌اند. (اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵: ۱۱۹/۱)

۲-۳. اعتماد کُشی بر ابن قتیبة یا کثرت روایت کُشی از او

برخی از اعتماد کُشی بر ابن قتیبة، وثاقت یا حداقل مدح او را برداشت کرده‌اند (عاملی، ۱۴۰۹: ۴۳۴/۳۰؛ استرآبادی، ۱/۱۴۲۲-۱۴۹-۱۴۸: قمی، ۱۴۱۷: ۱۷۲/۵؛ خواجه‌بوی، ۱۴۱۳: ۲۴۲، طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۱۳/۵، روحانی، ۱۴۱۲: ۲۱/۴)، اما در مقابل، مخالفین، اعتماد کُشی را با توجه به این عبارت او در ترجمه نجاشی: «روی عن الضعفاء کثیرا»، قابل استناد نمی‌دانند.

(خوبی، ۱۴۱۰: ۱۲، ۱۶۰؛ سبحانی، ۱: ۱۴۲۰، ۲۹۷) در پاسخ به این اشکال عده‌ای میان روایت کَشّی از ضعفاء و اعتماد وی بر شخصی، تفاوت قائل شده و اعتماد کَشّی را معتبر دانسته‌اند. دلیل ایشان این است که اعتماد، غیر از روایت و فرع بر ثبوت وثاقت است. (مؤمن، ۱۴۱۵: ۴۱۵؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵: ۱۸۴؛ سند، ۱۴۱۳: ۲۷۹ و سیفی مازندرانی، ۱۶/۱۴۲۵: ۱) اما برخی بر این باورند که مرحوم نجاشی، اعتماد کَشّی بر علی بن محمد را از کثرت روایت کَشّی از او برداشت کرده است، لذا با توجه به آنچه نجاشی در ترجمه خود از کَشّی آورده است، نمی‌توان از اعتماد کَشّی وثاقت یا مدح را استفاده نمود. (شبییری، ۱۴۱۹: ۲۵۵/۸) از کلام آیه‌الله خوبی در مستند نیز چنین برداشت می‌شود که ایشان معتقد است اعتماد کَشّی از روایت کثیر وی از ابن قتیبة استنباط شده است. (خوبی، ۱۳۶۴: ۲۹۵/۱)

۳-۲-۱. قرائن اعتماد بر ابن قتیبه

به نظر نگارندگان، بعید نیست سخن آیت‌الله شبیری زنجانی با توجه به قرینه آتی قابل نقض باشد، زیرا چنین نیست که تنها راه کشف اعتماد کَشّی نسبت به ابن قتیبه، کثرت روایت وی باشد تا در نتیجه نتوانیم به آن تمسک کنیم. کَشّی در اواخر ترجمه یونس بن عبدالرحمن، روایتی از ابن قتیبه از فضل بن شاذان درباره رجوع احمد بن محمد بن عیسی و علی بن حدید از بدگوی نسبت به یونس نقل کرده است (طوسی، ۱۳۹۰: ۴۹۶، ش ۹۵۲)، سپس در مقام نقد اخبار طعنی که قمی‌ها درباره یونس روایت کرده‌اند، می‌نویسد:

انسان وقتی به آنچه در مورد یونس روایت کرده‌اند، نگاه می‌کند، تعجب کرده و می‌فهمد که با عقل سازگار نیست؛ زیرا فضل بن شاذان نقل کرده است که احمد بن محمد بن عیسی و علی بن حدید از طعن در مورد یونس بازگشتند و شاید این روایات از سوی احمد بن محمد بن عیسی قبل از رجوعش بوده و از علی بن حدید هم از باب مدارا با اصحابش صادر شده باشد. (همان: ۴۹۷)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود کَشّی به نقل ابن قتیبه از فضل اعتماد کرده و بر اساس آن از یونس دفاع نموده و سپس برای روایات طعن، توجیهی ذکر می‌کند. بنابراین بعید نیست بگوئیم اعتماد کَشّی بر ابن قتیبه برگرفته از کثرت روایت کَشّی از وی نبوده است، بلکه قرینه دیگری نیز

وجود داشته است که نجاشی با توجه به آن و قرآینی دیگر، از اعتماد کَشی بر ابن قتیبة خبر می‌دهد.

صرف نظر از بحث فوق، از دو عبارت نجاشی نیز می‌توان استفاده کرد که وی به علی بن محمد بن قتیبة اعتماد کرده است، حال این اعتماد یا ناشی از این بوده که نجاشی میان اعتماد کَشی و روایت وی از ضعفاء تفاوت گذاشته، یا در این مورد به خصوص بر اعتماد کَشی نسبت به ابن قتیبة اعتنا نموده است و یا از راهی دیگر معتمد بودن ابن قتیبة را به دست آورده است؛ آن دو قرینه عبارتند از:

۱. نجاشی در ترجمه یونس بن عبدالرحمن، پس از آنکه از وی به جلالت و بزرگی یاد می‌کند، به روایات مختلفی که در مورد او وارد شده، اشاره کرده و نخستین روایت را از کَشی از ابن قتیبة از فضل می‌آورد که در آن امام علی بن موسی الرضا علیه السلام سائل را که عبد العزیز بن مهتدی است، برای دریافت معالم دینی به یونس سفارش می‌کند و نجاشی پس از نقل این کلام می‌نویسد: «و این جایگاه بزرگی است» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۴۶ و ۴۴۷)

۲. نجاشی در ترجمه محمد بن عیسی بن عبید، پس از اجلال و تعظیم وی و نقد اجمالی سخن شیخ صدوق، به بیان برخی روایات می‌پردازد و پس از نقل کلامی از کَشی از ابن قتیبة از فضل بن شاذان در مدح محمد بن عیسی بن عبید، این چنین می‌نویسد: «همین ستایش فضل بن شاذان برای تو کافی است». (همان: ۳۳۳ و ۳۳۴)

به نظر می‌رسد کلام نجاشی - نه صرف نقل روایات - به خصوص در مورد اخیر، دلالت بر اعتماد وی به نقل کَشی دارد و این در حالی است که نجاشی می‌داند که کَشی از ضعفاء، بسیار روایت می‌کند، از این رو اعتماد او بر این نقل‌ها قابل توجه است. و می‌توان این مطلب را دلیل بر اعتبار و مُعتمد بودن ابن قتیبة دانست.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان از این دلیل به عنوان اعتماد نجاشی بر ابن قتیبة نام برد، حال اینکه این اعتماد نجاشی از کثرت روایت کَشی حاصل شده یا از طریق دیگر چندان تفاوتی نمی‌کند. البته با توجه به اینکه نجاشی گزارش نموده است که کَشی از ضعفاء بسیار نقل روایت

کرده است روشن می‌شود استناد بعضی از فقهاء (بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۸/۶) به کثرت روایت کشی از ابن قتیبة برای احراز وثاقت وی را نمی‌توان صحیح دانست.

۳-۳. کثرت روایت احمد بن ادریس از وی (کثرت روایت اجلاء)

به باور برخی، روایت بزرگان از یک شخص، به ویژه در فرض کثرت، دلیل بر وثاقت یا حداقل مدح راوی است. (عاملی، ۱۴۱۹: ۴۸-۵۱؛ استرآبادی، ۱۴۲۲: ۱۴۵/۱؛ حائری، ۱۴۱۶: ۸۸/۱؛ مامقانی، ۱۴۲۸: ۱۲/۲، نوری، ۱۴۱۷: ۳۹/۴) چه اینکه کثرت روایت چنین افرادی حاکی از اعتماد آنها به مروی عنه است. حال احمد بن ادریس بن احمد قمی (ابوعلی اشعری) که ثقة، فقیه، کثیرالحدیث، صحیح الروایة بوده (نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۲؛ طوسی، [بی‌تا]: ۶۴) و در نتیجه از اجلاء محسوب می‌شود، روایات بسیاری از ابن قتیبة نقل کرده^۹ و نجاشی از طریق وی به کتب ابن قتیبة دسترسی داشته است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۰۷)، شیخ طوسی نیز در الفهرست در یکی از دو طریق خود به فضل بن شاذان، وی را واسطه اتصال به علی بن محمد بن قتیبة دانسته است. (طوسی، [بی‌تا]: ۳۶۳) از این روایة الله شبیری زنجانی با فرض کثرت روایت ابن ادریس از ابن قتیبة، آنرا دلیلی برای اثبات وثاقت وی می‌داند. (شبیری، ۱۴۱۹: ۵۰۷۵/۱۵) البته در مقابل، برخی این قاعده را رد کرده، آن را دال بر حسن مروی عنه هم محسوب نکرده‌اند. (خونی، ۱۴۱۸: الف: ۳۱/۱۲؛ همو، ۱۴۱۰: ۲۷۸/۷)

۳-۴. توثیق ضمنی کشی

برخی توثیق ضمنی مرحوم کشی را راه دیگری برای اثبات وثاقت ابن قتیبة دانسته‌اند (شوشتری، ۱۴۱۰: ۵۷۱/۷، ش ۵۳۲۱؛ بیات مختاری، ۱۳۹۱: ۱۳۶ و ۱۳۷)، توضیح آنکه مرحوم کشی روایتی را از قول «بعض الثقات بنیسا بور» نقل کرده (طوسی، ۱۳۹۰: ب: ۵۷۵، ش ۱۰۸۸) که بخشی از آنرا صدوق از علی بن احمد بن محمد بن عمران الدقاق از کلینی از شخصی به نام علی بن محمد از راوی اصلی نقل کرده است. (شیخ صدوق، ۱۹۶۶: ۲۴۹/۱، ح ۶) در این میان محقق شوشتری ادعا می‌کند این علی بن محمد، به جهت طبقه باید علی بن محمد بن قتیبة باشد و در نتیجه کشی او را توثیق کرده است. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۵۷۱/۷، ش ۵۳۲۱)



در مقابل برخی ضمن رد این استدلال معتقدند «علی بن محمد»ی که کلینی از وی روایت نموده است، یا علی بن محمد علان کلینی (دایی کلینی) است و یا ابن بندار و هرگز نمی‌توان او را ابن قتیبة دانست، ضمن اینکه فردی به نام علی بن محمد بن شجاع از اهالی نیشابور نیز بوده است که شاید او مراد باشد. افزون بر اینکه باء در عبارت «حکى بعض الثقات بنيسابور» می‌تواند ظرف وقوع حکایت باشد که در این صورت معنی چنین خواهد بود: «برخی از ثقات برای من در نیشابور حکایت کردند» و این مستلزم آن نیست که راوی اهل منطقه نیشابور باشد. (شبیری، ۱۴۱۹: ۵۰۷۵/۱۵)

۳-۵. تصحیح خبر مشتمل بر وی توسط علامه حلی

علامه حلی در خلاصه‌الاقوال، دو روایت از طریق ابن قتیبة از فضل آورده و هر دو را صحیح خوانده است (حلی، ۱۴۱۱: ۱۸۴ و ۱۸۵)، ایشان نام ابن قتیبة را نیز در بخش نخست کتاب خود یعنی بخش معتمدین آورده است. همچنین در مختلف‌الشیعة روایتی را از ابن قتیبة نقل کرده، و چنین نوشته است: «در طریق این روایت، عبد الواحد بن محمد بن عبدوس نیشابوری قرار دارد و وضعیت اعتبار او در ذهنم نیست، لذا اگر ثقة است، روایت صحیح می‌باشد و باید به آن عمل نمود». (حلی، ۱۴۱۳: ۴۸۴/۳) البته علامه در تحریر با اطمینان و به طور مطلق حکم به صحت این روایت نموده است (حلی، [بی‌تا]: ۱۱۰/۲)، ضمن اینکه در جایی دیگر از خلاصه‌الاقوال حکم به اعتبار سند روایتی مشتمل بر ابن قتیبة نموده است (حلی، ۱۴۱۱: ۱۱۷)؛ در هر حال اگر چه علامه در ترجمه ابن قتیبة در خلاصه‌الاقوال، به همان الفاظ شیخ طوسی بسنده کرده است ولی شکی نیست که این تصحیحات گویای ثبوت وثاقت ابن قتیبة نزد علامه می‌باشد.

البته در ارتباط با توثیق علامه حلی توجه به دو نکته ضروری است:

۱. آیا توثیقات و تصحیحات متأخرین نسبت به روایت همانند توثیقات متقدمین، حجت است یا خیر؟ برخی توثیق و تصحیح آنها را به جهت اینکه احتمال نمی‌رود از روی شهادت حسی باشد، حجت نمی‌دانند (خویی، ۱۴۱۸: ب: ۷۳/۱)، اما در مقابل جماعتی به توثیقات متأخرین اعتنا کرده و آنها را معتبر می‌شمرند. (اردبیلی، ۱۴۰۳:

۲۵۵/۲؛ ۴۰۳/۶؛ ۱۳۸/۱۳؛ بحر العلوم، ۱۴۲۷: ۲۸۰/۱؛ مامقانی، ۱۳۵۰: ۲۳۳/۲)

۲. بر فرض پذیرش تصحیحات و توثیقات متأخرین، به اعتقاد آیه‌الله خویی، علامه حلی همچون جماعت دیگری از اصحاب^{۱۰} قائل به اصالة‌العدالة بوده بنابراین تصحیح ایشان برای ما که چنین اصلی را نمی‌پذیریم، معتبر نیست. (خویی، ۱۴۱۰: ۱۶۰/۱۲) البته آیه‌الله شبیری زنجانی معتقد است که ادله آیه‌الله خویی بر اعتقاد علامه و جمع دیگری از قدماء بر اصالة‌العدالة تمام نیست بلکه اکثر قدماء و علامه حلی قائل به آن نبوده و تنها افراد معدودی چنین اعتقادی داشته و طبق آن عمل می‌کرده‌اند. (شبیری، ۱۴۱۹: ۶۸۳۵/۲۱)

۳-۵-۱. شواهد عدم اعتقاد علامه به اصالة‌العدالة

از دید نگارندگان صرف نظر از ادله آیه‌الله خویی نسبت به قبول مبنای اصالة‌العدالة توسط علامه حلی (خویی، ۱۴۱۸: ۷۱/۱، همو، ۱۴۱۰: ۴۶/۱) و اشکالاتی که بر آن وارد است (شبیری، ۱۴۱۹: ۹/۳۰۹۴ و ۶۸۳۵/۲۱)، شواهدی را می‌توان یافت که پذیرش اصالة‌العدالة را از سوی علامه حلی دچار تردید می‌کند، در ادامه به پنج نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. علامه ذیل دو عنوان «زید النرسی و زید الزراد» پس از نقل سخنان شیخ طوسی و ابن غضائری و بیان این نکته که طعنی در مورد خود این دو شخص وارد نشده، بلکه طعن در روایت دو کتاب آنهاست، می‌نویسد: «از آنجا که تعدیل و طعنی در مورد آن دو از سوی اصحاب نیافتیم، در قبول روایت ایشان توقف کردیم» (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۲۳)

۲. وی در مورد «حسن بن سیف بن سلیمان» این طور نوشته است: «ابن عقیده گوید از علی بن حسن بن فضال نقل شده که او ثقة و قلیل‌الحديث است و غیر از این مدح یا ذمی راجع به او ندیدم، بهتر این است که در منفرات او توقف کنیم تا عدالتش ثابت شود.» (همان: ۴۴ و ۴۵)

۳. در ترجمه «جعفر بن عفان الطایی» می‌نویسد: «کشی حدیثی نقل کرده است که نصر بن صیاح و محمد بن نسان که هر دو از ضعفاء هستند در سند آن قرار دارند؛ در این حدیث امام صادق علیه السلام برای او شهادت به بهشت داده است و نزد من غیر از این

حدیث چیزی در مورد او ثابت نشده و بهتر این است که در روایاتش توقف کنیم.» (همان: ۳۲)

۴. در ذیل عنوان «اسماعیل بن عمار» این چنین آمده است: «برادر اسحاق بن عمار است. کشی حدیثی ضعیف‌السند نقل کرده که امام صادق علیه السلام زمانی که او را با برادرش می‌دیدند، می‌فرمودند: دنیا و آخرت برای برخی اقوام جمع شده است. ما سند حدیث را در کتاب کبیر بیان کردیم و اقوی نزد من توقف در روایات اوست تا زمانی که عدالتش احراز شود.» (همان: ۲۰۰)

۵. و در ذیل عنوان «کثیر بن طارق ابوطارق القنبری» در بخش دوم کتاب، یعنی بخش کسانی که به روایت‌شان اعتماد نمی‌شود، می‌نویسد: «از فرزندان قنبر غلام امیرالمؤمنین علیه السلام است. نجاشی گفته است او از زید و دیگران روایت کرده است و این نه موجب جرح و نه تعدیل اوست.» (همان: ۲۴۹)

اگر علامه به اصالة العدالة پای بند بود در موارد فوق، باید به قبول روایت حکم می‌فرمود، در حالی که می‌بینیم، توقف کرده است.

آیه‌الله ایروانی نیز با استناد به شواهدی از این دست، سخن آیه‌الله خوبی را مردود می‌داند. (ایروانی، ۱۴۲۸: ۱۲۳/۲ و ۱۲۴) ایشان همچنین، فرمایش علامه در مقدمه کتاب خود مبنی بر اینکه یکی از اسباب ضعف راوی مجهول بودن راوی می‌باشد (حلی، ۱۴۱۱: ۲)، را دلیل دیگری بر عدم پذیرش اصالة العدالة از سوی ایشان دانسته است.

۳-۶. شیخوخت اجازه

بسیاری شیخوخت اجازه را کاشف از وثاقت یا مدح راوی دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۳۳: ۱۹۲ و ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۶؛ الف: ۲۶۶/۶ و ۴۲۹/۱۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۷/۶ و ۴۸؛ قمی، ۱۴۱۳: ۵۰۱/۴ و ۵۰۲؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۸/۴؛ ۳۵/۱۰؛ همدانی، ۱۴۱۶: ۶۰/۹؛ مجلسی، ۱۴۰۶؛ ب: ۷۶/۱؛ استرآبادی، ۱۴۲۲: ۱۴۱/۱؛ مامقانی، ۱۴۲۸: ۴۷۳/۱؛ شبیری، ۱۴۱۹: ۱۴/۱)، تا جایی که از برخی تعبیر استفاده می‌شود که این طریق از زمان مرحوم کلینی به بعد، رایج و مشهور بوده است، محقق بحرانی در این باره می‌نویسد:

متأخرین اصحاب ما فرموده‌اند نیازی به تصریح در مورد عدالت و وثاقت مشایخ اجازه شیعه نیست، دلیل این مطلب آن است که جلالت، عدالت و ورع آن‌ها چنان مستفیض بوده که حتی از میزان معتبر برای اثبات عدالت راوی نیز بیشتر است. (بحرانی، ۱۴۱۲: ۱۲۶)

نوه شهید ثانی نیز در مورد حسین بن عبید الله بن ابراهیم غضائری چنین می‌نگارد: «جلالت او مخفی نیست و عدم توثیق او به این خاطر است که عادت مصنفین بر عدم توثیق اساتید خود بوده است.» (عاملی، ۱۴۱۹: ۶۵/۱)

در مقابل برخی نیز شیخ اجازه بودن را دلیلی بر وثاقت یا مدح راوی ندانسته‌اند. (خویی، ۱۴۱۰: ۷۷/۱؛ همو، ۱۳۶۴: ۲۹۵/۱؛ صدر، ۱۴۰۸: ۵۰۰/۴ و ۵۰۴؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۳: ۴۵۷/۳)

بر فرض پذیرش این کبری، جماعتی از علماء به شیخ اجازه بودن ابن‌قتیبه تصریح کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۲/۱۳؛ بهبهانی، ۱۴۱۹: ۲۹۵/۲؛ همو، ۱۴۲۴: ۵۳۳/۲؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۵/۴۳۵؛ ۵۲۳/۱۰؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۲۷۰/۱۶) و از این راه در صدد بر آمده وثاقت وی را اثبات نمایند؛ اما باید توجه داشت که این ادعا را می‌توان به دو صورت تصور کرد: ۱. شیخوخت اجازه ابن‌قتیبه نسبت به کَشی؛ ۲. شیخوخت اجازه وی نسبت به غیرکَشی.

ظاهر عبارت فقهای که به شیخوخت اجازه وی تصریح کرده‌اند، آن است که وی را شیخ اجازه کَشی می‌دانند، ولی آیه‌الله خویی بر این ادعا اشکال کرده، معتقد است آنچه از سخنان کَشی استفاده می‌شود، فراتر از اخذ روایت نیست. (خویی ۱۳۶۴: ۱/۲۹۵ و ۲۹۶) بنابراین ابن‌قتیبه صرفاً شیخ روایت کَشی است، اما اگر منظور شیخ اجازه بودن برای غیر کَشی باشد، باید گفت در عبارات فقهاء و رجالیان تصریحی مشاهده نشد، اگرچه در برخی تعبیر این احتمال وجود دارد:

۱. ابن‌قتیبه در فهرست شیخ طوسی و در فهرست نجاشی، در طریق روایت آثار و کتب فضل‌بن‌شاذان قرار گرفته و احمدبن‌ادریس از وی نقل می‌کند. (طوسی، [بی‌تا]: ۳۶۳؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۰۷) در مشیخه تهذیب و در استبصار نیز شیخ طوسی وی را به عنوان

راوی از فضل آورده و حسن بن حمزة علوی طبری را ناقل از ابن قتیبة معرفی کرده است.
(طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/المشیخه، ۸۶؛ طوسی، ۱۳۹۰؛ الف: ۳۴۱/۴)

۲. در مشیخه من لایحضر در طریق به عثمان بن زیاد، ابن قتیبة آمده و عبد الواحد بن محمد بن عبدوس را راوی او آورده است، (صدوق، ۱۴۱۳: ۵۲۸/۴) همان‌گونه که ابن قتیبة را در طریق خود به روایت العلل نیز راوی از فضل دانسته است. (همان: ۴۵۷/۴)

۳. طبق نقل سمعانی، ابوالحسین محمد بن أحمد علوی زباری (م ۳۳۹ هـ.ق)، که از بزرگان شیعه در نیشابور بوده است، از طریق ابن قتیبة کتب فضل بن شاذان را نقل کرده است. (سمعانی، ۱۳۸۲: ۲۴۹/۶)

۳-۷. تصحیح شیخ صدوق

تصحیح شیخ صدوق نسبت به روایات ابن قتیبة در دوجا قابل مشاهده است:

الف) شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا پس از آنکه از طریق عبدالواحد بن محمد بن عبدوس از ابن قتیبة از فضل، رساله‌ای از امام رضا به مأمون را روایت می‌کند، طریق دیگری برای خود به این رساله بیان کرده و تعابیر متفاوت آن را متذکر شده، چنین می‌نویسد: «روایت عبد الواحد بن محمد بن عبدوس که خدا از او راضی باشد، نزد من صحیح‌تر است.» (۱۳۷۸: ۱۲۷/۲-۱۲۱) واژه «صحیح‌تر» - که اسم تفضیل است - اگر دلالت بر صحت دو طرف نداشته باشد، حداقل دلالت بر تصحیح و اعتماد بر طریق نخست دارد و تصحیح مساوی با توثیق است، (شیری، ۱۴۱۹: ۲۵۵۱/۸؛ ۱۴۲۵: ۱۸۴) اما اشکال این وجه آن است که صحت در اصطلاح قدماء با صحت مصطلح امروز و بلکه از زمان علامه حلی به بعد، متفاوت است، قدماء حدیثی را صحیح می‌دانستند که اطمینان به صدور آن داشته باشند، اعم از اینکه منشأ آن وثاقت راوی باشد یا امارات دیگر (عاملی، ۱۴۱۴: ۲۶؛ استرآبادی، ۱۴۲۲: ۱۰۶/۱؛ حائری، ۱۴۱۶: ۵۸/۱) بنابراین از چنین تعبیری نمی‌توان وثاقت راوی را استفاده کرد.

با توجه به آنچه گذشت، ضعف این مطلب که: «ظاهراً منشأ دیگری جز وثاقت یا اوثقیة رجال طریق نخست موجب تصحیح و ترجیح آن نشده است» (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵: ۱۸۴) روشن شد.

علاوه بر اینکه قرائن و شواهدی برای اراده «صحیح‌تر» بودن از جهت دلالت نیز وجود دارد، امام خمینی بعد از اشاره به اشکال مزبور (تطور معنای صحت) می‌نویسد: «کلام صدوق درباره‌ی متن روایت بوده است، زیرا این حدیث از طریق دیگری نیز نقل شده که شامل زیاداتی مخالف مذهب مانند معصیت پیامبران و... می‌باشد.» (خمینی، ۱۴۱۵: ۸۳/۲) محقق شوشتری نیز وجه ترجیح شیخ صدوق را اشکالات متنی و دلالتی نقل دوم دانسته است. (شوشتری، ۱۴۰۶: ۱۷۵/۱)

۱۶۱



سال اول. شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۸

ب) شیخ صدوق در مقدمه‌ی من لایحضر تصریح کرده است که روایاتی را در این کتاب می‌آورد که به آنها فتوا داده و حکم به صحت آنها می‌نماید (صدوق ۱۴۱۳: ۳/۱ و ۴) بنابراین روایان این کتاب باید موثق یا حداقل مورد اعتماد وی باشند. (سبزواری، [بی‌تا]: ۱۸۵/۲) و ابن‌قتیبه نیز با حذف موارد تکراری، در سند چهار روایت موجود است. (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۹۹/۱، ح ۹۱۴ و ۳۰۵، ح ۹۱۹ و ۴۵۴، ح ۱۳۱۸ و ۵۲۲، ح ۱۴۸۵ و ۵۴۱، ح ۱۵۱۰: ۳۷۸/۳، ح ۴۳۳۱؛ ۴۱۹/۴؛ ۵۹۱۵؛ ۲۵۶/۳، ح ۳۹۲۶)

اشکال این ادعا نیز همان‌طور که پیشتر گفته شد، آن است که صحت حدیث نزد قدماء معنای متفاوتی با معنای امروز داشته است، بنابراین نمی‌توان با تصحیح آنها بر وثاقت روای استدلال کرد، همچنین سخن شیخ صدوق مبنی بر اینکه به روایات این کتاب فتوا می‌دهم (همان: ۳/۱ و ۴) اعم از وثاقت یا عدم وثاقت روایان کتاب است.

۳-۸. تأیید وثاقت ابن‌قتیبه توسط فاضل جزائری

مرحوم مامقانی راه دیگری را برای احراز وثاقت ابن‌قتیبه ارائه داده است (مامقانی، ۱۳۵۰: ۳۰۸/۲، ش ۸۵۰۵) و آن اینکه شیخ عبدالنبی جزائری که معروف به سخت‌گیری در امر توثیق روایات بوده و گاه به ابن‌غضائری تشبیه شده است، ابن‌قتیبه را در بخش صحاح یعنی بخش روایان ثقة دوازده امامی بیان کرده است. (جزائری، ۱۴۱۸: ۴۹/۲، ش ۳۸۳) روشن است که استفاده از این راه بستگی به مبنای اتخاذ شده نسبت به توثیق متأخرین دارد. یعنی در صورتی که ما توثیق متأخرین را معتبر بدانیم می‌توان به این دلیل ابن‌قتیبه را ثقة دانست.

۳-۹. روایت بزرگان

هر چند نسبت به دلالت روایت اشخاص بزرگ از یک روای، تفاوت دیدگاه وجود دارد، لکن از

باب تراکم احتمالات و ظنون می‌توان به کمک این وجه و موارد دیگر، اطمینان به وثاقت ابن‌قتیبة پیدا کرد.

با توجه به مطلب فوق باید گفت که همان‌طور که پیشتر گذشت روایان از ابن‌قتیبة هفت نفر می‌باشند و از این میان تنها عبدالواحد بن محمد بن عبدوس چهره‌ای شناخته شده نیست، اگر علاوه بر وی کشتی را نیز به سبب کثرت نقلش از ضعفاء از این جمع کنار بگذاریم، پنج نفر باقی می‌مانند که همگی از معاریف و چهره‌های برجسته شیعه و گاه از بزرگان طائفه بوده‌اند که از ابن‌قتیبة روایت کرده یا از طریق او به کتب فضل دسترسی داشته‌اند.

جهت روشن شدن جایگاه این افراد لازم است ترجمه مختصری از آنها بیان شود:

۱. ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (م ۳۲۹ هـ ق) پدر ابوجعفر شیخ صدوق، فقیه، بزرگ قمی‌ها و ثقة آنها در عصر خود بوده است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۱، ش ۶۸۴)

۲. احمد بن ادريس بن احمد معروف به ابوعلی اشعری (م ۳۰۶ هـ ق)، فقیه، کثیر الحدیث، صحیح الحدیث (نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۲، ش ۲۲۸؛ طوسی، [بی‌تا]: ۶۴، ش ۸۱) و از بزرگان شیعه (طوسی، [بی‌تا]: ۴۱۱، ش ۵۹۵۶) محسوب می‌شود. وی هم کتب فضل بن شاذان و هم کتب خود ابن‌قتیبة را از طریق ابن‌قتیبة روایت کرده است.

۳. ابوعلی محمد بن احمد علوی زباری (م ۳۶۰ هـ ق)، شخصی وجیه بوده است، تا بدان حد که سمعانی وی را بزرگ طالیه خراسان می‌خواند (سمعانی، ۱۳۸۲: ۲۴۶/۶) و شیخ صدوق او را شریف، شریف‌الدین و صدوق توصیف می‌کند. (۱۳۹۸: ۳۵۶، ح ۳؛ ۱۳۹۵: ۲۳۹/۱، ح ۶۰)

۴. ابو محمد حسن بن حمزة علوی طبری (م ۳۵۸ هـ ق)، که از طریق ابن‌قتیبة به نقل اخبار فضل بن شاذان پرداخته است، به گفته نجاشی وی «فقیه و از اجلاء طائفة شیعه» می‌باشد (نجاشی، ۱۴۰۷: ۶۴، ش ۱۵۰)، همچنین شیخ طوسی وی را «فاضل، ادیب، عارف، فقیه، زاهد، دارای ورع و کثیر المحاسن» توصیف کرده است. (طوسی، [بی‌تا]: ۱۳۵، ش ۱۹۵)

۵. ابوالحسین، محمدبن احمد علوی زباری (م ۳۳۹ هـ.ق)، طبق نقل سمعانی از طریق ابن قتیبۀ آثار و کتب فضل را روایت کرده است. (سمعانی، ۱۳۸۲: ۶/۲۴۹) سمعانی می نویسد: وی در جایگاهی قرار داشت که در نیشابور مردم بسیاری از امراء و قواد و رعیت تابع او شده بودند. (همان)

نقل چنین افرادی از ابن قتیبۀ، به خصوص احمدبن ادريس و حسن بن حمزه که اخبار و آثار فضل را از طریق ابن قتیبۀ روایت کرده اند، دلالت بر وثاقت و معتمد بودن وی دارد که با ضمیمه این مورد به دیگر ادله می توان اطمینان به وثاقت او پیدا کرد.

۱۶۳



سال اول. شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۸



نتیجه‌گیری

علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری که نقش مهمی در انتقال روایات اعتقادی و رجالی به‌ویژه روایات فضل بن شاذان داشته است در میان کتب رجالی توثیق صریحی ندارد، به همین جهت برای تصحیح روایات او باید از راه توثیقات ضمنی یا توثیقات عامه بهره جست که با بررسی‌های انجام شده مجموعاً نه راه برای احراز وثاقت وی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از اعتماد کشی و نجاشی بر او و روایت بزرگانی همچون ابوعلی اشعری، احمد بن ادریس و ابوعلی محمد بن حمزه از وی، این سه راه، فارغ از اختلافات، خود دلیل بر وثاقت این راوی شمرده می‌شوند که چنانچه به راه‌های دیگر همچون توثیق متأخرین مثل علامه حلی و شیخ عبدالنبی جزائری ضمیمه شود می‌تواند برای انسان اطمینان به وثاقت این راوی را ایجاد نماید.

شش راه دیگر نیز برای توثیق ابن قتیبه در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت که طبق مبناي برخی از رجال پژوهان مورد پذیرش است ولی به باور برخی دیگر چنین نیست به این جهت یا به عنوان مؤید باید مورد استفاده قرار گیرد یا اینکه در صورت پذیرش آن مبانی برای خود فرد دلیل باشد، این راه‌ها عبارتند از: توصیف وی به «فاضل» در کلام شیخ طوسی؛ توثیق ضمنی مرحوم کشی؛ توثیق وی توسط علامه حلی و فاضل جزائری؛ شیخ اجازه بودن وی؛ تصحیح شیخ صدوق.

پی‌نوشت‌ها

۱. شبیری زنجانی، جلسه ۲، سال ۱۳۶۲؛ با کمی تصرف و تلخیص (www.eshia.ir).
۲. تأکید بر این قید از آن جهت است که شیخ طوسی در مشیخه تهذیب و استبصار، ضمن بیان طریق خود به فضل، برای کلینی به فضل، دو طریق بر می‌شمرد: الف) طریق پیش‌گفته؛ ب) طریق ابراهیم بن هاشم قمی (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰، المشیخه، ۵۰؛ طوسی، ۱۳۹۰، الف: ۳۱۵/۴) لکن به جهت آنکه کلینی در کتاب خود حتی یکبار هم از این طریق استفاده نکرده است. این‌که شیخ دچار اشتباه شده باشد، محتمل است. فقیه محقق سید احمد مددی نیز چنین احتمالی داده است.
۳. تعداد روایات نقل شده از وی در کتاب کافی به ۷۶۱ نقل می‌رسد. (خوبی، ۱۴۱۰: ۸۴/۱۶، ش ۱۰۲۳۵)
۴. به جز یک مورد که طبق بعضی اقوال نوعی توثیق محسوب می‌شود که در ادامه خواهد آمد.
۵. تمامی موارد نقل‌کشی از ابن‌قتیبه در پاورقی شماره ۷ آمده است.
۶. طبق توضیحات سمعانی، ابوالحسین برادر ابوعلی بوده که ۲۱ سال زودتر از برادرش، یعنی در سال ۳۳۹ هـ، به سرای باقی شتافته است. جالب این‌که نام هر دو دقیقاً یکی است و بدون ذکر قرائن صرفاً با کنیه می‌توان آن‌ها را از هم تمییز داد.
۷. طوسی، ۱۳۹۰؛ الف: ۷، ۱۶، ۲۸، ۳۰، ۵۵، ۶۷، ۹۸، ۱۲۵، ۱۵۹، ۱۶۵، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۴۶، ۲۷۴، ۳۰۹ (۲ مورد)، ۳۵۱، ۳۶۰، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۸۳، ۴۸۴ (۲ مورد)، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸ (۳ مورد)، ۴۹۶، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۸ (۲ مورد)، ۵۶۱، ۵۶۶ (۲ مورد)، ۵۸۴، ۵۹۰، ۵۹۲.
۸. در موارد بسیاری کشی (به‌طورمستقیم) از فردی به نام علی بن محمد نقل می‌کند که اگر او را ابن‌قتیبه بدانیم تعداد نقل‌های کشی از وی بسیار بیشتر از مقدار ذکر شده خواهد بود، البته این احتمال نیز وجود دارد که مراد علی بن محمد بن فیروزان قمی باشد که مقیم کَش بوده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۲۹، ش ۶۱۶۴).
۹. طبق تتبع نگارندگان، شیخ مفید در الارشاد یک روایت و شیخ طوسی در الغیبه هجده روایت از طریق احمد بن ادریس از ابن‌قتیبه آورده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷۰/۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۱، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۸۷ (دو مورد)، ۱۸۹، ۱۹۰، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۴۲۵، ۴۳۳، ۴۳۵). در یکی از این موارد (ص ۴۲۵) شیخ بدون وساطت احمد بن ادریس (یعنی از حسین بن عبیدالله بن غضائری از ابوجعفر محمد بن سفیان از ابن‌قتیبه از فضل) نقل کرده که ظاهراً در آن سقطی رخ داده و احمد بن ادریس حذف شده است. در ضمن شیخ طوسی غیر از این ۱۸ مورد، بیش از ۱۵ روایت را بدون ذکر واسطه از فضل آورده است که با توجه به اینکه او در الغیبه جز طریق مذکور، طریق دیگری به فضل ذکر نکرده، به گمان قوی آن روایات را نیز از همان طریق نقل کرده است و بدین ترتیب در مجموع شیخ بیش از ۳۳ روایت از طریق فوق نقل کرده است. در ضمن



بعید نیست شیخ تمام این روایات را از کتاب القائم و الملاحم فضل بن شاذان و به طریق مذکور نقل کرده باشد.
(نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۰۶)

۱۰. ایشان در جایی احتمال داده‌اند شیخ صدوق نیز به این مبنا قائل بوده باشد (خوئی، ۱۴۱۰: ۳۸/۱۱) و این مبنا را معروف در نزد قدماء توصیف کرده‌اند. (همو، ۱۳۶۴: ۲۹۶/۱).

۱۶۶



راه‌های احراز وثاقت علی بن محمد بن قتیبة



منابع و مأخذ

۱. ابن بابويه [شيخ صدوق]، محمد بن علي (۱۳۷۶ش)، **الأمالي**، ج ۶، تهران: کتابچی.
۲. _____، (۱۳۹۸ق) **التوحيد**، تحقيق سيد هاشم حسيني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۳. _____، (۱۳۶۲ش؛ الف) **الخصال**، تحقيق علي اكبر غفاري، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۴. _____، (۱۳۶۲ش؛ ب) **صفات الشيعة**، تهران: أعلمی.
۵. _____، (۱۹۶۶م) **علل الشرائع**، قم: مكتبة الداوري (افست چاپ منشورات المكتبة الحيدرية)
۶. _____، (۱۳۷۸ق) **عيون أخبار الرضا عليه السلام**، تحقيق مهدي لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۷. _____، (۱۳۹۶ق) **فضائل الأشهر الثلاثة**، تحقيق غلامرضا عرفانيان يزدي، قم: مكتبة الداوري.
۸. _____، (۱۳۹۵ق) **كمال الدين و تمام النعمة**، تحقيق علي اكبر غفاري، چ ۲، تهران: دارالكتب اسلامية.
۹. _____، (۱۴۰۳ق) **معاني الأخبار**، تحقيق علي اكبر غفاري، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۱۰. _____، (۱۴۱۳ق) **من لا يحضره الفقيه**، ج ۲، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۱۱. ابن داود، حلي، (۱۳۸۳ق) **رجال ابن داود**، تهران، دانشگاه تهران.
۱۲. ابن شاذان، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق)، **مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة**، تحقيق مدرسه امام مهدي، قم: مدرسة الإمام المهدي.
۱۳. ابوعلی حائری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق)، **منتهی المقال فی أحوال الرجال**، قم: مؤسسة آل البيت.





١٤. اردبيلي، احمد بن محمد (١٤٠٣ق)، **مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان**، تحقيق آقا مجتبي عراقى، على پناه اشتهاردى، آقا حسين يزدى اصفهانى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
١٥. استر آبادى، محمّد بن على (١٤٢٢ق)، **منهج المقال في تحقيق احوال الرجال**، تعليقه وحيد بهبهانى، قم: مؤسسة آل البيت.
١٦. اعرجى كاظمى، محسن (١٤١٥ق)، **عدّة الرجال**، تحقيق مؤسسة الهداية لإحياء التراث، قم: اسماعيليان.
١٧. ايروانى، باقر (١٤٢٨ق)، **دروس تمهيدية في القواعد الرجالية**، ج ٢، قم: مدين.
١٨. بحر العلوم، محمد مهدي (١٤٢٧ق)، **مصاييح الأحكام**، تحقيق سيد مهدي طباطبائي - فخر الدين صانعي، قم: منشورات ميثم التمار.
١٩. بحراني، يوسف (١٤٠٥ق)، **الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة**، تحقيق محمد تقى ايروانى، سيد عبدالرزاق مكرم، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
٢٠. بهبودى، محمد باقر (١٤٢٧ق)، **معرفة الحديث و تاريخ نشره و تدوينه و ثقافته عند الامامية**، بيروت: دارالهادى للطباعة و النشر.
٢١. بيات مختارى، مهدي (١٣٩١ش)، **ديدار فضل بن شاذان با امام رضا عليه السلام «نقدى بر معرفة الحديث»**، مشهد: بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى.
٢٢. جزائرى، عبدالنبى (١٤١٨ق)، **حاوى الاقوال في معرفة الرجال**، تحقيق مؤسسة الهداية لاحياء التراث، قم: رياض الناصرى.
٢٣. جمعى از محققان، **مجله فقه اهل بيت**، شماره ٣٠، قم
٢٤. حرّ عاملى، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، **تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة**، قم: مؤسسة آل البيت.
٢٥. حسيني روحانى، سيد محمد صادق (١٤١٢ق)، **فقه الصادق عليه السلام**، قم: دار الكتاب - مدرسه امام صادق.

٢٦. حلى (علامه حلى)، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤١١ق)، خلاصة الاقوال فى معرفة الرجال (رجال العلامة الحلى)، قم: دار الذخائر.
٢٧. _____، (١٤١٣ق)، مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة، ج ٢، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
٢٨. _____، [بى تا]، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، مشهد: مؤسسه آل البيت.
٢٩. خالد برقى، احمد بن محمد (١٣٨٣ق)، رجال البرقى، تحقيق حسن مصطفى، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
٣٠. خواجهبى، محمد اسماعيل (١٤١٣ق)، الفوائد الرجالية، تحقيق سيد مهدى رجائى، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
٣١. خويى، سيد ابوالقاسم (١٣٦٤ش)، مستند العروة الوثقى، تقرير مرتضى بروجردى، قم: لطفى.
٣٢. _____، (١٤١٠ق)، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، قم: مركز نشر آثار شيعه.
٣٣. _____، (١٤١٨ق؛ الف)، موسوعة الإمام الخوئى، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئى.
٣٤. _____، (١٤١٨ق؛ ب)، التنقيح فى شرح العروة الوثقى، تقرير ميرزا على غروى، قم: [بى نا].
٣٥. سبحانى، جعفر (١٤٢٠ق)، الصوم فى الشريعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه امام صادق.
٣٦. سبزوارى، محمد باقر [بى تا]، ذخيرة المعاد فى شرح الإرشاد، قم: مؤسسه آل البيت.
٣٧. سمعاني، عبد الكريم بن محمد بن منصور تميمي (١٣٨٢ق)، الأنساب، تحقيق عبد الرحمن معلمي، هند: حيدرآباد، دائرة المعارف العثمانية.



۳۸. سند بحرانی، محمد (۱۴۱۳ق) *سند العروة الوثقی (صلاة المسافر)*، تحقیق احمد ماحوزی، قم: مكتبة الداوری.
۳۹. سیفی، علی اکبر (۱۴۲۵ق)، *مبانی الفقه الفعّال في القواعد الفقهية الأساسية*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۴۰. شبیری زنجانی، موسی (۱۴۱۹ق)، *کتاب نکاح*، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۴۱. شوشتری، محمّد متقی (۱۴۱۰ق)، *قاموس الرجال*، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۲. _____، (۱۴۰۶ق)، *النجعة في شرح اللمعة*، تهران: مكتبة الصدوق.
۴۳. صدر، محمدباقر (۱۴۰۸ق)، *مباحث الأصول*، تقرير سيد كاظم حسيني حائري، قم: ناشر مؤلف.
۴۴. طباطبای حکیم، محسن (۱۴۱۶ق)، *مستمک العروة الوثقی*، قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۴۵. طباطبای حکیم، محمدسعید (۱۴۲۵ق)، *مصباح المنهاج (کتاب الصوم)*، قم: دارالهلل.
۴۶. طباطبای قمی، تقی (۱۴۲۳ق)، *الدلائل فی شرح منتخب المسائل*، قم: مكتبة المحلاتی.
۴۷. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۹۰ق؛ الف)، *الإستبصار فيما اختلف من الأخبار*، تحقیق سيد حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۸. _____، (۱۳۹۰ق؛ ب)، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۴۹. _____، [بی تا]، *الفهرست*، تحقیق سيد محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: المكتبة المرتضوية.
۵۰. _____، (۱۳۷۳)، *رجال الطوسي*، تحقیق جواد قیومی، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۱. _____، (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحكام*، ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية.

۵۲. _____، (۱۴۱۱ق)، **الغبية**، تحقيق عبدالله تهراني - علي احمد ناصح، قم: دارالمعارف الإسلامية.
۵۳. عاملي، محمد بن حسن (۱۴۱۹ق)، **استقصاء الاعتبار في شرح الاستبصار**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۵۴. عاملي (شيخ بهايي)، بهاء الدين محمد بن حسين (۱۴۱۴ق)، **مشرق الشمسين و اكسير السعادتين مع تعليقات الخواجوئي**، تحقيق سيد مهدي رجايي، مشهد: مجمع البحوث الاسلامية.
۵۵. عاملي جبعي (شهيد ثاني)، زين الدين بن علي بن احمد (۱۴۳۳ق)، **الرعاية في علم الدراية**، تحقيق عبدالحسين محمد علي بقال، ج ۳، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۵۶. _____، (۱۴۱۳ق)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۵۷. فيض كاشاني، محمد محسن (۱۴۲۹ق)، **معتصم الشيعة في أحكام الشريعة**، تحقيق مسيح توحيدى، تهران: مدرسه عالي شهيد مطهرى.
۵۸. قمى، ميرزا ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳ق)، **جامع الشتات في أجوبة السؤالات**، تحقيق مرتضى رضوى، تهران: مؤسسه كيهان.
۵۹. _____، (۱۴۱۷ق)، **غنائم الأيام في مسائل الحلال والحرام**، قم: مكتب الاعلام الاسلامى.
۶۰. كاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق)، **أنوار الفقاهة (كتاب الصيام)**، نجف: مؤسسه كاشف الغطاء.
۶۱. كلينى، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق)، **الكافي**، تحقيق على اكبر غفارى، ج ۴، تهران: دار الكتب الاسلامية.
۶۲. ماحوزى بحراني، سليمان بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، **معراج اهل الكمال الى معرفة الرجال**، تحقيق سيد مهدي رجايي، قم: مطبعة سيد الشهداء.



٦٣. مامقاني، عبدالله (١٣٥٠ق)، *تنقيح المقال في علم الرجال*، نجف: مطبعة المرتضوية.
٦٤. _____، (١٤٢٨ق)، *مقياس الهداية في علم الدراية*، تحقيق محمدرضا مامقاني، قم: نشر دليل ما.
٦٥. مؤمن قمي، محمد (١٤١٥ق)، *كلمات سديدة في مسائل جديدة*، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
٦٦. مجلسي، محمدتقي (١٤٠٦ق؛ الف)، *روضه المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه*، تحقيق سيد حسين موسوي كرماني، علي پناه اشتهاودي، سيد فضل الله طباطبائي، ج ٢، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانپور.
٦٧. مجلسي، محمداقبر (١٤٠٦ق؛ ب)، *ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار*، تحقيق سيد مهدي رجائي، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
٦٨. _____، (١٤٢٠ق)، *الوجيزة في الرجال*، تحقيق محمداكظم رحمان ستايش، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
٦٩. مفيد (ابن نعمان)، محمدبن محمد (١٤١٣ق)، *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى الالفية لوفاة الشيخ المفيد.
٧٠. موسوي خميني، روح الله (١٤١٥ق)، *المكاسب المحرمة*، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
٧١. موسوي عاملي، محمدبن علي (١٤٢٩ق)، *مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام*، ج ٢، بيروت: مؤسسه آل البيت.
٧٢. ميرداماد، محمد باقر (١٣١١ق)، *الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية*، قم: دار الخلافة.
٧٣. نجاشي، احمدبن علي (١٤٠٧ق)، *فهرست أسماء مصنفي الشيعة (رجال النجاشي)*، تحقيق سيد موسى شبيري زنجاني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.

٧٤. نجفى، محمد حسن (١٩٨١م)، *جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*، تحقيق عباس قوچانى، ج ٧، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٧٥. نراقى، احمد بن محمد مهدى (١٤١٥ق)، *مستند الشيعة في أحكام الشريعة*، قم: مؤسسة آل البيت.
٧٦. نراقى، ميرزا ابوالقاسم بن محمد بن احمد (١٤٢٢ق)، *شعب المقال في درجات الرجال*، تحقيق محسن احمدى، قم: مؤتمر المحقق النراقى.
٧٧. نورى، ميرزا حسين (١٤١٧ق)، *خاتمة المستدرک*، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
٧٨. وحيد بهبهانى، محمد باقر (١٤١٩ق)، *الحاشية على مدارك الأحكام*، قم: مؤسسة آل البيت.
٧٩. _____، (١٤٢٤ق)، *مصابيح الظلام*، قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهاني.
٨٠. همدانى، آقارضا (١٤١٦)، *مصباح الفقيه*، تحقيق محمد باقرى، نور على نورى، محمد ميرزائى، سيد نورالدين جعفرىان، قم: مؤسسة الجعفرية لإحياء التراث (به جزج ١٣ و ١٤).

81. www.eshia.ir



این مقاله از سامانه مطالعات اعتبار سنجی حدیث به آدرس

<http://vsh.journals.hozekh.com>

دریافت شده است.

